

دکتر باقرپور کاشانی



مقایسه نظریه فرگشت با فلسفه هگل، ملاصدرا و ابن سینا

مقایسه نظریه فرگشت با فلسفه هگل،

ملاصدرا و ابن سینا

بعضی آمدند گفتند آقا ما، نظریه فرگشت را با نظریه هگل، که همان حرکت ذاتی را قائل است، که تز و آنتی تز و در مقابله تز و آنتی تز، سنتز می آید که سنتز مثلاً از آن تز و آنتی تز قوی تر است؛ باز در دل سنتز، تز و آنتی تز و باز سنتز همین طور به وجود می آید، همان نظریه هگل را آمدن مطرح کردند، گفتند آن نگاه فلسفی اش هست، این نگاه زیست شناسیش؛ جمعی این را مطرح کردند.

حاضرین: فلاسفه اسلامی هم بالاخره قائلند؟

بله! ملاصدرا هم قائل هست به حرکت در جوهر؛ و خوب حالا حرکت در جوهر، کلاً جوهر و عَرَض در ارتباط با ماهیت است، ماهیت را وقتی بخواهیم تقسیم بکنیم به جوهر و ده عَرَض تقسیم می شود؛ بهش می گویند «مقولات عشر».

اما خب ملاصدرا قائل به حرکت در جوهر شده، اما خب باید توجه داشته باشید این‌جا اصالت وجودی هست و اصلاً جوهر به معنای ماهیت معنا ندارد.

لذا آن‌جا می‌آید ایشان چی را مطرح می‌کند؟
ایشان می‌آید بحث تشکیک در وجود را مطرح می‌کند و حرکت در جوهر و می‌برد نسبت به تشکیک، و این تشکیک وقتی مرتبهٔ مادون به مرتبه مافوق، مرتبه بالاتر، تکامل پیدا می‌کند؛ یعنی به تعبیری از طریق ماده و جسم، ماده صیوریت پیدا می‌کند و به سمت تجرد پیش می‌رود، ویژگی‌های مادی را از دست می‌دهد کم به کم و گاهی اوقات به تجرد تام و تمام می‌رسد.

حاضرین: البته قبلش سیر برعکس داشته؟

بله با نظریه تشکیک این که از ذات ربوبیت عقل اول صادر شده، و عقل دوم از عقل اول صادر شده، و عقل سوم از عقل دوم صادر شده؛ این همین طور از ذات ربوبیت که واحد صادر می شود به گفته آنها، «الْوَحْدُ لَا يَصْدُرُ عَنْهُ إِلَّا الْوَاحِدُ»، این تنزل پیدا می کند تا می رسد به اضعف مراتب وجود که صورت جسم است، صورت «هیولاست» و خب باز همین طور که گفتیم و ایشان هم توضیح دادند، این تشدید می شود، یعنی دوباره از جسمانیت، از جسمانیتی که هست به سمت مجرد گام به گام حرکت می کند و حرکت ذاتی، حرکت جوهری چنین نگاهی هست.

اما خب باز در فرمایشات صدر، بحث این نیست که حالا مثلاً فرض بکنید که انسان حیوان بوده اول، از حیوان...، آن یک نگاه فلسفی نسبت به همه چیز مطرح می کند، آن نگاه خاص خودش را دارد، نسبت به همه چیز مطرح می کند.

و بله، آن چیزی که به عنوان ماده‌ست، چه جمادات، چه نباتات، چه حیوانات، چه انسان‌ها، ایشان قائل است که حرکت دارد، اصلاً آن چیزی که ماده‌ست، حرکت ذاتی و حرکت جوهری دارد، که البته در مقابلش ابن سینا، که حدود هزار سال پیش است، ملاصدرا حدود سی صد چهارصد سال پیش است، قبلش ایشان (ابن سینا) فرض حرکت در جوهر را مطرح می‌کند و می‌گوید که کسی که قائل به حرکت در جوهر باشد، «لَا عَقْلَ لَهُ» اصلاً عقل ندارد! یا می‌گوید قول شعریه و به شاگردش بهمن‌یار می‌گوید؛ اگر حرکت در ذات و جوهر درست باشد، اکنون من ابن سینا که با تو بهمن‌یار دارم صحبت می‌کنم، قبلش باید یک تشخص داشتم، الان یک تشخص داشتم باشم، بعد هم یک تشخص دیگری باید داشتم باشم؛ یعنی سه حقیقت باید باشم! ذات متفاوت است، و ایشان قبول نمی‌کند خیلی هم می‌تازد، ابن سینا می‌تازد. علی‌ای حال یک بحث اختلافی در خصوص فلسفه اسلامی هست.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir